

بسمه تعالی

حرمسرا در تاریخ پادشاهان

از دیرباز وقتی سخن از حرمسرا به میان می‌آمد، آن را جهانی پر رمز و راز از شگفتی‌ها توصیف می‌کردند که بسیاری از حوادث سیاسی و اجتماعی و فرهنگی حکومت‌ها برخاسته از مناسبات درون حرمسراست. این تلقی آمیخته‌ای از درهم‌کرد حوادث واقعی و موهومات خیالی بود.

۱. **حرمسرای عباسی و عثمانی:** نقش حرمسرا را نمی‌توان در خلافت بزرگ عباسی نادیده گرفت. ایفای نقش سیاسی و عمرانی و همچنین نقش آفرینی علمی و فرهنگی از سوی زنانی مثل زبیده خاتون (همسر هارون الرشید) و خیزران و نیز گرفتن جایگاه قضات و انتصاب افراد به قضاوت از سوی زنی به نام شغب هستیم. در عین حال خیال‌پردازی‌ها و داستان تراشی‌های زیادی در این زمینه صورت گرفته است. بعدها داستان‌سرایی‌های غریبان درباره حرمسرای عثمانیون؛ شرح ۲۰۰ تا ۳۰۰ جاریه برای یک پادشاه عثمانی که بعدها به گونه‌هایی مثل ساخت مجموعه حریم سلطان انجامید

۲. **روابط شاه با طلا:** شاه ارتباطات خاصی بعد از طلاق فوزیه داشت. در این برهه اسدالله علم مامور جمع کردن معشوقه برای او بوده... گیلدای آزاد مشهور به طلا میگه پدرم سرلشگر آزاد است. موسی حقانی خیلی دوست داشت سر سریال معمای شاه او را ببیند: خودش کانادا ست. بعضاً میاد ایران میره... خیلی از اونور سعی کردند اطلاعات را پس دهد. محمدرضاورزی و حسام نواب صفوی هم بود از ساعت ۸ صبح بود ولی تا ۵ بعدازظهر ادامه پیدا میکرد. ساواک منو دستگیر کرد... از طریق فرح فشار میگذاشتن نصیری من را سوار ماشینش میکرد که شما چی میخوای؟ حسین فردوست میگه فرح با چک زده تو گوش طلا... ولی خودش منکر میشه... حدوداً ۱۹ ساله بوده و شاه دیوانه‌وار دوستش داشته... شاه در سفر زمستانی سوئیس این رو میبرده... تهدیدها و فشارهایی که از طریق فرح منجر به بازداشت او میشود و یک شب هم او را بازداشت میکنند تا او را بترسانند. یه خونه هم بلوار اسفندیار میخوره

۳. **روابط شاه با پری غفاری:** پری غفاری کتابی دارد به نام: «تا سیاهی؛ در دام شاه». او دختری اهل یک خانواده متوسط از اهالی تفرش ساکن تهران بوده که بعداً معشوقه شاه میشه:— شاه قبل از اینکه ترور بشه

با ماشین دور تا دور بشه... پری غفاری را شاه تو خیابان لاله زار میبینه... طرحهای تروری که حتی تو دربار قرار بود اجرا شود، سگ کانادایی بوی باروت را فهمید و لو داد بعداً دیگه خودش تک و تنها نرفت. اسرار پیشه وری و فرقه دموکرات سفر اشرف به موسولینی...

نسل جدید تصویری از دربار ناصرالدین شاه نداره...

۴. رابطه شاه با ثریا اسفندیاری: تا اواخر عمر شاه با او ارتباط مکتوب داره... حتی فیلمهای او را جمع میکنه که هالیوود او را به عنوان بازیگر سوژه نکنه.

۵. روابط نامتعارف بیل کیلینتون با یک کارآموز جوان کاخ سفید موجب میشه چند بار پاش به دادگاه باز میشه و گمانه‌زنی‌هایی برای اینکه در این برهه اسرائیل کیلینتون رو تحت فشار قرار داده بوده مطرح میشه.

۶. فرانسوا اولاند: فرانسوا اولاند رییس جمهور ۵۹ ساله فرانسوی، به صورت مخفیانه با موتور و کلاه که داشته میره سراغ ژولی گیه هنرمندی که معشوقه‌اش بوده است بعد جنجالش دنیا رو میگیره معلوم میشه با این هنرپیشه از قبل ریاست جمهوری رابطه داشته و قبلاً با یک زن خبرنگار هم در ارتباط بوده.

وجه جذابیت این مسائل (در سطح عوام و خواص)

۱- برای عوام: لایه‌های پنهان زندگی مشاهیر: این مسئله هم به لحاظ کنجکاوی بودن مردم در مسائل اندرون حرمسرا و زندگی شاهان سوژه جذابی است. فی‌المثل در ماجرای فیلم جیران ما با ناصرالدین شاهی روبرو هستیم که تا پیش از ۹۰ زن رو برایش ذکر کردند؛ چهار عقدی و بقیه به طور موقت

۲- برای خواص: میزان تقیدات شرعی یا بی بند و باری فرد: مثلاً طبق منابع تاریخی شاه مدتها بعد از درگذشت جیران عاشق یک دختر از اهالی ازگل تهران می‌شود که حوالی سکونتگاه جیران بود و اتفاقاً شباهت زیادی به او داشت. پدرش باغبان بود و به او سمت باغبان باشی دربار رضوان الملک را داد و بعد که خواهر کوچکترش به دیدن همسر شاه می‌آمد کم کم شاه عاشق او هم شد و در صدد بود به نحوی هر دو خواهر را بگیرد. تا اینکه همسرش آمدن خواهر خود را قدغن کرد و گفت انتخاب یک خواهر برای شما جایز

است. بعداً در منابع تاریخی هست که در ماجرای نهضت تحریم تنباکو، یکی از سرنش‌های اهل حرمسرا این است که مردم دینشان که دست شاه نیست و گرنه شما ممکن است دو خواهر هم بگیرید.

۳- **اعتبارسنجی نگاه و شعارهای آن فرد نسبت به زنان:** چون معمولاً در این روابط موضوع یک معشوقه زن در میان است و اتفاقاً رفتار این افراد سیاسی و حکومتی نشان می‌دهد که چندان اعتقادی به شخصیت زن ندارند (برخوردی که شاه با همسران ۴ گانه خود کرد: تاج الملوک آیرملو / صفیه تاج ماه /)

۴- **نقش آلودگی به مفاسد اخلاقی در وادادگی سیاسی:** از ابزارهای فشار استعمار برای به زانو درآوردن حکمرانان مشرق زمین است. (ماجرای سوئیس شاه و رفتن ارتشبد فردوست به ساختمان ام آی سیکس و... نماینده ایران در مذاکرات)

نمونه: اعدام قره العین توسط امیر کبیر و جلوگیری از دیدار او با شاه

مرحوم لنکرانی معتقد بود: خدمت بزرگ دیگری که امیر کبیر به اسلام و ایران کرد، تسریع در اعدام قره العین، و از بین بردن زمینه دیدار آن زن فتانه با ناصرالدین شاه جوان بود که زمام نفس خویش را در دست نداشت و ممکن بود دلباخته ناز و غمزه او شده و این امر (همراه با سوسه‌دوانیهای دول اجنبی ذی‌نفع در ماجرا) کار پایان دادن به غائله ایران سوز بایان را دچار مشکل سازد.

نورالدین چهاردهی، «از افراد ثقه ازلیها» شنیده است «که طاهره در زمان زندانی بودن خود تقاضای ملاقات با ناصرالدین شاه نمود و شاه مایل به ازدواج با او بود. درباریان [بخوانید: امیر کبیر] از ملاقات طاهره بیمناک شده و هم داشتند که شاه تحت سیطره طاهره قرار گیرد و زیبایی او موجب شود که شاه مفتونش گردد، لذا مرگ او را جلو آوردند.»

امیر کبیر بیداردل تا چه حد عاقبت‌اندیش بوده است و قضیه قره العین راجع به ناصرالدین شاه معروف است که به چه تدبیری قبل از مواجهه آن فتانه با شاه، ناصرالدین شاه را در مقابل امر واقع شده قرار داده و آن زن اباهی عاری از قیدوبند را سربسته کرده است.

مدل و قالب مجموعه جیران

ژانر عاشقانه تاریخی: کلیشه رومنس عاشقانه + بن مایه تاریخی است که طی تحولات فراوانی طرفین به هم نمی‌رسند.

به لحاظ گونه‌شناسی و ژانرشناسی یک نوع رومنس عاشقانه در بستر تاریخ است که پای بندی به تاریخ ندارد و از تاریخ منافع خودش را میبرد و استفاده میکند منتها با ظاهر سنت، شبه مدرنیته را نیز در بر دارد. کازابلانکا هم همین‌... در قصه‌های لاتین قدیمی هم هست و این تم به فاخر و سخیف راه یافته هست و همیشه بیننده دارد.

به لحاظ کارگردانی هم دومین تجربه ایشان در شبکه نمایش خانگی است.

چند ویژگی رومنس / معرفی کارهای حسن فتحی:

۱. عاشقانه بودن فضای فیلم و اینکه فیلم بر مدار عاشق و معشوق می‌چرخد
۲. مانعی جدی بر سر راه عاشق و معشوق قرار می‌گیرد که از بیرون تحمیل می‌شود
۳. بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا فضای هنر هفتم به این سمت می‌رود که در رومنس‌ها خود خانواده (شوهر یا همسر) مانع رسیدن به معشوق است.
۴. در ژانر رومنس، لوکیشن متناسب، فیلمبرداری قوی، نورپردازی جذاب و همچنین صداگذاری‌ها و موسیقی‌های مناسب، نقش بسیار مهمی دارد. (استفاده از فضای تاریخی و خوانندگی همایون شجریان) بدین جهت لوکیشن‌های جیران هم در فضاهای تاریخی و زیبا مثل کاخ گلستان، عمارت مسعودیه، خانه طباطبایی‌ها، باغ گیاه‌شناسی ملی، کاروانسرای سعدالسلطنه، انگورستان ملک، خانه بروجردی‌ها، حسینیه امینی‌ها، فیلمبرداری شده.

بر باد رفته ۱۹۳۹، کازابلانکا ۱۹۴۲، تایتانیک ۱۹۹۷، درخشش ابدی یک ذهن پاک ۲۰۰۴، از این دست کارها هستند که شهرت جهانی یافتند.

در ایران یکی از تاثیرگذارترین چهره‌ها در عرصه رومنس‌های تلفیق شده با تاریخ، حسن فتحی است. ایشان اول اهل تئاتر بود تا اینکه در رمضان سال ۱۳۷۲، با مجموعه تلویزیونی همسایه‌ها کار خودش را در صدا و سیما آغاز کرد و بعد با پهلوانان نمی‌میرند مشهور شد.

ولی این حالت رومنس پررنگ را به صورت سریالی در کارهای خودش تعقیب کرد، به صورتی که مثل نخ تسبیح در آثارش، نقش‌ها و فیلمنامه‌ها و سکانس‌ها و بازیگران رو به هم پیوند می‌زد.

از مجموعه‌هایی حسن فتحی در هم آمیختگی عاشقانه بودن و تاریخی بودن پیداست ولی به صورتی که موانع عشق در هر کدام متفاوت هستند.

۱. شب دهم (خاطرخواهی حیدر خوش مرام نسبت به دختر قجری = مانع عشق اجرای تعزیه در دهه محرم عصر رضاخانی است که اتفاقاً او را دگرگون می‌کند و از عشق مجازی به عشق حقیقی رهنمون می‌گرداند)
۲. مدار صفر درجه (سفر حبیب پارسا برای تحصیل به پاریس و عشق وی به یک دختر یهودی به نام سارا و مشکلات فراوانی که برای این دو رخ می‌دهد از جمله تصرف پاریس توسط آلمان نازی و تعقیب خانواده یهودی به دست آلمان و همچنین مخالفت صهیونیست‌ها با افکار حبیب)

۳. میوه ممنوعه (سرپیری و معرکه‌گیری)

۴. شهرزاد (فصل اول ۲۸ قسمت و فصل دوم ۱۸ قسمت و فصل سوم در ۱۶ قسمت): در اینجا هم شهرزاد دانشجوی پزشکی و فرهاد دانشجوی ادبیات و روزنامه‌نگار، عاشق و معشوق هستند. داستان در زمان زمامداری مصدق و همزمان با حوادث قرین با کودتای ۲۸ مرداد رخ می‌دهد. در گیر و دار عشق و عاشقی این دو دو مشکل رخ می‌نماید: اول اینکه فرهاد به جرم دفاع از مصدق و توطئه علیه سلطنت تا پای دار می‌رود و دوم اینکه فردی به نام بزرگ آقا می‌آید و شهرزاد را برای قباد (شهاب حسینی) خواستگاری می‌کند و مورد قبول پدر شهرزاد قرار می‌گیرد...

۵. جیران... : مجموعه جیران داستان عاشقانه و تاریخی است که شش سال از زندگی مشهورترین سلطان قاجاریه ناصرالدین شاه را به نمایش می‌کشد. این واقعه که در دوران پس از مرگ امیرکبیر و صدراعظم شدن میرزا آقاخان نوری شروع می‌شود؛ داستان آشنایی و عشق شاه با یک دختر روستایی به نام خدیجه خانم تجریشی است که از سوی شاه به نام «جیران» ملقب می‌گردد.

معرفی مجموعه جیران

در این سالها البته انتقاداتی هم به کار حسن فتحی وارد شده که این کار اخیرش یکی از پر بسامدترین آثار مورد انتقاد قرار گرفته اوست. هم به لحاظ هنری و هم به لحاظ محتوایی و تاریخی. درباره سناریو و کارگردانی و ویژگی‌های هنری نسبت به کارای قبلی ایشان یک یا چند پله عقبتره قطعاً پهلوانان می‌میرند و شب دهم و مدار صفر درجه جلوتر بودند. حتی روشنتر از خاموشی و کار ملاصدرا هم با همه ضعف‌ها بهتر بود.

در این مجموعه سایه‌ای از تاریخ روی متن عاشقانه با حواشی آن افتاده / پرداخت شخصیت‌ها بیشتر میرزا آقاخان نوری حقیقی است ولی سلمان ما به ازای تاریخی ندارد. لباسی از تاریخ بر اندام یک مجموعه ای که به نگاه آنها جذاب است.

سرمایه گذار فیلمو هست. این سریال در موقعی که ۵۰ - ۶۰ درصد ساخته شده بود و اشکالاتی که جنبه ممیزی دارد، تذکر دهم. وگرنه دیگر اینکه تاریخی هست یا خیر دیگر امکان نداشت.

این مجموعه بیشتر از تراکتهای شخصیت‌های تاریخی استفاده کرده و متن آن در یک فضای شبه تاریخی صورت گرفته اسامی تاریخی هستند ولی اشکالات فراوان تاریخی رنج می‌بره:

اولین کار ایشان پهلوانان نمی‌میرند بود قبلش تئاتر کار میکرد. دعوایی که راجع به سناریوی آن بین خود ایشان با کس دیگری موجب توقف شد چون اون سریال هم شبیه همین بود به نام غزال شباهتهایی داشت که اون آقا شکایتی کرده بود صبر کردند دادگاه توقیف داد تا تکلیفش معلوم باشه.

از طرف ساترا باید پخش میشد بعضی صحنه‌ها و دیالوگ‌ها نامناسب بود چون درگیری با ممیزی داشتند، تصمیم گرفتند این را دیگر به ساترا ندهند.

نقش‌های سریال ۵۲ قسمتی جیران

بهرام رادان ناصرالدین شاه

پریناز ایزدیار جیران

امیرحسین فتحی سیاوش

مهدی پاکدل سلمان‌خان

فاطمه مسعودی‌فر سارای گرجی

کتانه افشاری‌نژاد خدیجه چهریقی

بهناز نازی ننه آشوب

امیر جعفری میرزا آقاخان نوری

رؤیا تیموریان کفایت‌خاتون

بهزاد داوری عزیزخان مگری

گزارشهای تاریخی درباره

ناصرالدین شاه و جیران

حکومت ناصرالدین شاه: ۱۲۶۴ - ۱۳۱۳ / ولادت ۱۲۴۷ - ۶۴ سال عمر کرد.

گویا جیران در ۱۲۳۰ شمسی و ۱۲۶۸ قمری با وی ازدواج کرده است در این زمان ناصرالدین شاه ۲۱ ساله است. جیران در گذشته: ۱۲۷۶ ق / ۱۲۳۸ خورشیدی / فرزندان: سه پسر و ۱ دختر / دست کم شش سال و حداکثر هشت، نه سال، زندگی مشترک این دو به طول انجامیده است. سریال جیران در پی واگو کردن این مدت است.

عزل میرزا آقاخان نوری: محرم ۱۲۷۵ قمری یکسال قبل از مرگ جیران است.

جیران اول: مادر آقا محمدخان

فارستر، جهانگرد و محقق انگلیسی، در کتاب خود به اسم مسافرت از بنگاله تا انگلستان می نویسد: «جیران، زوجه محمد حسن خان قاجار و مادر آقا محمد خان، از زنهای برجسته جهان بود و در تاریخ اروپا نظیر آن زن وجود نداشته است... جیران دانشمند، دلیر، صرفه جو و با استقامت بود.

پسرش آقا محمد خان را طوری تربیت کرد که از تمام صفات خوب مادر برخوردار گردید، و اگر جیران نبود نه محمد حسن خان، شوهرش، دارای قدرت می شد و نه پسرش آقا محمد خان به سلطنت ایران می رسید. وقتی آقا محمد خان دوازده ساله بود، جیران به او گفت: فرزند، اینک موقعی است که با پدرت بروی و از اطلاعات و تجربه هایی که در مسافرت و جنگ می توان به دست آورد، برخوردار شوی...»^۱

^۱ خواجه تاجدار، پیشین ج ۱، ص ۲۲۹ (به اختصار).

جیران دوم: همسر صیغه‌ای ناصرالدین شاه

آیا معشوقه‌ای به نام جیران وجود داشته؟ بله

جیران - که نام اصلی‌اش خدیجه است - دختر محمدعلی‌خان تجریشی، باغبان بود که گاهی نجاری هم می‌کرد. جیران، اهل ده ازگل تجریش بود. این دختر دهاتی، قدبلند، لاغراندام و زیبا بود و با توجه به اینکه زنان آن دوره فربه بودند، لاغر بودن خدیجه‌خانم، برای شاه بسیار جلوه داشت. جیران، دختری بامزه، ساده و مهربان بود، اما گاهی به‌خود شاه هم اخم می‌کرد. در واقع رفتارش با شاه، مثل یک آدم معمولی بود. همین امر هم موجب شد که ناصرالدین‌شاه به او علاقه‌مند شود. درخصوص جیران در اسناد آمده: «مانند شاه لباس سواری می‌پوشد و چکمه به پا می‌کند! وقتی سوار اسب می‌شود و به تاخت می‌تازد، هیچ‌کس به گردش نمی‌رسد. جیران مغرور، سرکش، ناشکیبا و بی‌اعتنا به مادر شاه، یعنی مهدعلیاست...».

فرزندان جیران

اولین فرزند جیران، سلطان محمد میرزا بود که ۸ روز بیشتر عمر نکرد. پسر دوم جیران، به امیرمحمدقاسم میرزا یا ملک‌قاسم خان (نام پدر مهدعلیا) نامیده می‌شود. امیرمحمدقاسم میرزا هم، تا ۵ سالگی بیشتر عمر نکرد. هرچند در زمان حیاتش، به او رتبه امیرنظامی (ارتشبد) هم اعطا شد. جیران یک پسر دیگر و ۲ دختر هم داشت که آنها هم زود فوت کردند. علت مرگ آنها مشخص نیست، ولی بعید به نظر نمی‌رسد که آنها را کشته باشند. چون مرگ این بچه‌ها، آن هم پشت سر یکدیگر، مشکوک است. در دربار قاجار، هووها با فرو کردن سوزن در ملاحظ بچه، یا نشستن روی دهانشان در زمان خواب، آنها را می‌کشتند که یک وقت آنها به ولیعهدی نرسند. جیران خودش هم، در ۲۸ سالگی می‌میرد. قبر جیران و پسرش امیرمحمدقاسم میرزا، در شاه‌عبدالعظیم است.

^۲ راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، جلد: ۳، صفحه: ۷۱۶، امیرکبیر، تهران - ایران، ۱۳۵۴ ه.ش.

شواهد عشق ناصرالدین شاه به جیران

آیا شاه به جیران علاقه زاید الوصفی داشته؟ بله

✓ گزارش اعتماد السلطنه (دو روایت از شدت علاقه ناصرالدین شاه):

اول: طلاق زن عقدی برای ازدواج دائم با صیغه‌ای: ستاره خانم، زن عقدی شاه بود و از شاه سه اولاد هم رسانده بود، بعد بواسطه عقد کردن فروغ السلطنه مطلقه شد که چهار عقدی زیادتر امکان ندارد. عقد او را به فروغ السلطنه دادند و او را صیغه کردند... بعداً حکم داد خانه او را مهر کردند و ستاره خانم را گاهی اندرون خانه انیس الدوله، گاهی خانه امین حضور می‌برند که ببینند چه دارد... خدا لعنت کند کسی را که این کارها را به شاه آموخت... (ص ۵۲۸ - ۵۲۹ / خاطرات اعتماد السلطنه)

دوم: جادویی بودن عشق جیران! بعد از مردن فروغ السلطنه، دو تا طلسم او همراه داشت یکی را ننه مولی دزدیده به انیس الدوله داده بود، یکی دیگر را شخصی دزدیده بود از همان گیس سفیدهای فروغ السلطنه ... به امین اقدس داده بود که این همه عشق و مهر و محبت به امین اقدس و انیس الدوله به واسطه این دو طلسم بوده. شاه به عزیزالسلطان حکم کرده است که این دو طلسم را بیرون بیاورد... (ص ۹۶۸ همان).

✓ **گزارش امین الدوله** درباره‌ی جیران تجربیشی، محبوبه و معشوقه‌ی ناصرالدین شاه که بعداً به فروغ السلطنه ملقب گردید، چنین می‌نویسد:

«پادشاه جوان به معلومات خود غره، به دخالت در کارها مایل گردید و در همین اوقات از اتباع حرم که نزد مادر شاه در مسلک مغنیات و رامشگران بود، پادشاه به او الفتی و مهری پیوست. صیغه‌ی جاری و به عنوان تمتع در سلک جواری آمد، موضع عشق شاه شد، وجود نازنین ناصرالدین شاه را اسیر خود دید، می‌خواست معشوقیت خود را که مستلزم مطاعیت است، به مردم جلوه

دهد. «در کارهای مشکل حاجت می شد توسط او مردود نمی شد.» و چند سطر بعد می نویسد:
«اینجا برای عملی خلوت از بیرون و زنان از اندرون راه مداخلت به امور دولت باز گردید»^۳.

امین الدوله، مرد سیاسی دوران ناصر الدین شاه و مظفر الدین شاه است

والی زاده معجزی، محمدرضا، تاریخ لرستان : روزگار قاجار، صفحه: ۱۲۰، حروفیه، تهران - ایران، ۱۳۸۰ ه.ش.

۷ برخی پژوهشگران

با این که ناصر الدین شاه ظل السلطان را به عذر این که مادر ظل السلطان از ایل قاجار نبوده از ولایتعهدی محروم ساخت، مع هذا خود او دو پسر جیران خانم (فروغ السلطنه، معشوقه و محبوبه ایام جوانی خود) را بدون اعتنا به این که مادرشان دختر یک روستایی بی نام و نشان بوده، یکی بعد از دیگری به ولایتعهدی خویش برگزیده ولی مرگ مرموز آن دو کودک مانع از تحقق آرزوی شاهنشاه عاشق پیشه گردید. با این که ناصر الدین شاه با عمل سابق الاشعار قانونی را که آقا محمد خان موسس قاجاریه وضع کرده بود، نقض کرده و به پادشاهی خانوادگی خود پشت پا زده بود،

^۳ - خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین الدوله، چاپ تهران.

نقدها بر جیران

- نقد دکتر ولایتی
- نقد خسرو معتضد و...

اولین انحراف: مدل عاشق شدن ناصرالدین شاه

راوی عشق شاه

فیلم بر اساس کتاب خسرو معتضد؛ «از فروغ السلطنه تا انیس الدوله»
من یک خط نوشته لامینسکی را تبدیل به ۲۰ صفحه کرده‌ام. الان هم در حال نگارش کتابی، در مورد
شخص جیران هستم!

آس لامینسکی، تنها فردی است که به نحوه آشنایی ناصرالدین شاه با جیران، اشاره کرده است. لامینسکی (مدیر رسیدگی به امور ایران، در وزارت امور خارجه روسیه)، در سال ۱۳۱۸ ه.ق، مأمور تفحص و تهیه گزارش از ایران می‌شود و یادداشت‌هایی به نام «ایران و ایرانسکی» (ایران و ایرانیان) نوشته است. (علی جواهر کلام که مترجم زبان روسی بود، یادداشت‌های پراکنده‌ای از این کتاب را در سال ۱۳۲۲ شمسی، در مجله «راه نو» منتشر کرد). لامینسکی در خصوص جیران، ۲ خط در یادداشت‌هایش آورده است: «جیران دختری از دهات تجریش بود که بالای درخت نشسته و توت می‌خورد. شاه او را در جوانی دیده و شیفته او شده است...». صحنه آشنایی ناصرالدین شاه و جیران را، من براساس گفته‌های لامینسکی، صحنه‌سازی کرده و در کتابم آورده‌ام.

افراد ساختگی هم وجود دارند: سیاوش پسر آقای فتحی است و ماجرای کفایت خاتون و نفوذ زندیه هیچکدام اعتبار تاریخی ندارد. حتی پژوهشگران بحث می‌کنند که آیا آشنایی جیران با ناصرالدین شاه بعد از قتل امیر کبیر بوده یا قبل از قتل امیر کبیر؟

دو قول درباره نحوه آشنایی با شاه

- در هر دو صورت او با اسب فرار نکرده است

در مورد نحوه آشنایی ناصرالدین شاه و جیران دیدگاه متفاوتی وجود دارد.

قول اول: در حرم سرا: به نوشته عباس امانت، جیران ابتدا به جهت یادگیری رقص و آواز به حرم سرای شاهی آورده شد و نخستین بار ناصرالدین شاه او را اندکی پس از قتل امیرکبیر در جمع ملازمان مهد علیا دید و به او دل بست.

قول دوم در اطراف تجریش: تقی دانشور (اعلم السلطان) در خاطرات خود، آشنایی آن دو را مربوط به یکی از سفرهای شکاری شاه به روستاهای اطراف شمیران و تجریش دانسته است. او نخستین ملاقات آن‌ها را چنین شرح می‌دهد:

شاه روزی در اطراف شمیران و تجریش سواره به شکار بلدرچین و قرقاول رفته بود. غفلتاً چند بلدرچین روی یک درخت توت پریدند و شاه برای شکار و تیراندازی به آنان زیر درخت توت رفت. دختری بالای درخت رفته و مشغول بازی و خوردن توت بود. دخترک اعتنایی به شاه نکرد. ولی شاه فریفته جمال دختر شد و بر سیل مزاح خطاب به وی گفت: دختر، زن من می‌شی؟ دخترک شانه‌هایش را بالا انداخت و بدون آنکه بداند طرف صحبتش شاه مملکت است، گفت: تو که داخل آدم نیستی، من زن شاه می‌شم!

مونس الدوله (ندیمه و کنیز انیس الدوله) در کتاب خاطراتش، مانند دانشور، آشنایی شاه و جیران را مربوط به یکی از سفرهای شاه به سبب شکار می‌داند و می‌نویسد:

ناصرالدین شاه آنقدر آنجا منتظر ایستاد تا خواجه‌ها و پیشخدمت‌ها آمدند و خبر آوردند که اسم او خدیجه است و اسم پدرش هم «میرزا محمدعلی». دیگر کار تمام بود و به حکم قبله عالم ناصرالدین شاه قاجار، جیران را از درخت پائین آوردند و پیش خانم‌های اندرون بردند. رختش را عوض کردند، حمامش بردند و خواجه باشی او را ۹۹ سال برای ناصرالدین شاه صیغه کرد.

نقد تاریخی فیلم

الف) نقاط مثبت

بوژه روی میرزا آقاخان نوری

الف) تحت الحمایگی انگلیس: به نوشته دکتر منصوره اتحادیه: میرزا آقاخان «قبل از صدارت رسماً تحت الحمایه دولت انگلیس بود». دیگران، همچون عباس اقبال آشتیانی، فریدون آدمیت و عبدالرضا هوشنگ مهدوی نیز بر همین عقیده‌اند. منابع خارجی و خاطرات مری شیل، همسر کلنل شیل (سفیر انگلیس در زمان امیر کبیر) نیز مؤید همین امر است.^۴

خانم شیل، با اشاره به تحت الحمایه انگلیس بودن میرزا آقاخان می‌نویسد: پس از عزل امیر از صدارت، و تصمیم ناصرالدین شاه به واگذاری صدارت به میرزا آقاخان، شاه سه روز آقاخان را در کاخ سلطنتی زندانی کرد و از وی خواست که یکی از دو راه را انتخاب کند: «قبول صدراعظمی شاهنشاه و یا ادامه دادن به نوکری سفیر انگلیس».

ب) حقوق بگیری از سفارت: حقوق بگیری از سفارت انگلیس، اتهام دیگر میرزا آقاخان است. عباس اقبال او را مستمری‌بگیر از کلنل شیل (وزیر مختار انگلیس در ایران) می‌شمارد. پس از عزل میرزا آقاخان، سفیر ایران در دربار تزار طی گفت و گو با وزیر خارجه روسیه خاطر نشان ساخت که: میرزا آقاخان «از بدو امر... بستگی به دولت انگلیس داشت و... اعتقاد بعضی» این بود «که از دولت انگلیس، موظف هم بوده» است. وزیر خارجه

روسیه نیز سخنان وزیر مختار ایران را «تصدیق» کرد.^۵

ج) فراماسونری: گروهی از مطلعین، میرزا آقاخان را در مقدمات ایجاد «فراموشخانه فراماسونری» توسط میرزا ملکم خان ارمنی در ایران نیز، دخیل و مؤثر شمرده‌اند که نکته درخور تأملی است. بعضی از نویسندگان پا را فراتر نهاده و (همچون سعید نفیسی و ظل السلطان) میرزا آقاخان را جزء افراد فراموشخانه ملکم و حتی (همچون خان ملک ساسانی) عضو گراند لژ انگلیس می‌دانند.^۶

د) اطاعت از انگلیس: با چنین خصوصیتی، میرزا آقاخان (در حیات سیاسی خود) راهی جز رعایت دستورات لندن نداشت. مهدی بامداد وی را «صدر اعظم دست‌نشانده بیگانگان» می‌شمارد و دکتر آدمیت نیز از او به عنوان «صدر اعظم بیگانه پرست» یاد می‌کند که «یکسره تسلیم سفارت انگلیس بود». دیگر مورخان نیز از میرزا آقاخان به عنوان فردی یاد کرده‌اند که «همواره زیر چتر حمایت بریتانیا قرار داشت» و «صورتاً و معنأً از کارکنان انگلیس» بود.^۷

بررسی پرونده نوری، از التجای مکرر او برای حل مشکلات و پیشبرد اهداف خویش به سفارت انگلیس حکایت دارد. عباس امانت، با استناد به اظهارات کلنل فرانت (نماینده انگلیس در تهران) و دیگر مآخذ، تصریح می‌کند که نوری با سفارت انگلیس، «سالهای سال روابط دوستانه داشت» و «برای اشاعه نفوذ خود» - علاوه بر توسل به مهدعلیا (مادرشاه) - از سفارت بریتانیا «بهره می‌گرفت».^۸ در مورد التجای آقاخان به سفارت انگلیس در ابتدای حکومت امیر کبیر بعداً توضیح خواهیم داد.

ه) جاسوس سفارت انگلیس: میرزا آقاخان حتی متهم شده که اسرار محرمانه ایران را به انگلیسی‌ها لو می‌داده است. آدمیت می‌نویسد: «در گزارشهای وزیر مختار انگلیس بارها می‌خوانیم که میرزا آقاخان اسرار سیاسی دولت را در امور داخلی، و همچنین گفت و گوهای امیر [کبیر] را با سفارتخانه‌های خارجی، به طور «محرمانه» به سفارت انگلیس در تهران خبر می‌داده است (تلگراف شیل به پالمستون، ۴ اوت ۱۸۵۱)». کلنل شیل در این تلگراف محرمانه خطاب به پالمستون یادآور می‌شود که میرزا آقاخان نوری همه رازهای دولت ایران را از سیر تا پیاز به وی گزارش می‌دهد و این وسیله خبرگیری از عالی‌ترین مقامهای کشور «در چنین وقتی» بی‌اندازه غنیمت است.^۹

ب) نقاط ضعف و آسیب‌شناسی

۱. نامها و اسامی بر خلاف تاریخ: که در زمان ناصرالدین شاه نبود.

- سیاوش و دختری به نام سونیا

اصلاً در زمان قاجاریه، اسم سیاوش وجود داشته است؟ حقیقت این است که در آن دوران، اسامی‌ای که به کار می‌رفته، معمولاً مذهبی و همچون علی، محمد، حسن، حسین، عبدالله، ابراهیم، داوود و... بوده است. اسم‌هایی چون سیاوش، از مشروطه به این طرف و با اشعار عارف، میرزاده عشقی و دیگران، باب شد. زمان رضاخان هم این اسامی بیشتر رونق گرفت. بنابراین وقتی در فیلم دوره ناصری، نام سیاوش به کار می‌بریم، آن فیلم کم‌دی-کلاسیک می‌شود. حتی رضاخان نیز نام فرزندانش را مذهبی انتخاب کرده.

- قراول سر متخلف را جلوی حرمسرا ببرد: به مامور این کار نسقچی‌باشی می‌گفتند و البته در زمان

رخداد این فیلم با طناب خفه می‌کردند نه اینکه اینگونه سر ببرند.

۲. شخصیت‌های ساختگی و مجعول:

- اصل وجود سیاوش به عنوان عاشق و معشوق جیران از خاندان زند: ساخت یک عشق فرعی و دروغین

برای جیران هم، توهم است.

- سلمان پیش قراول

- کفایت از اقوام مهد علیا

۲ - سارای گرجی

به تصویر کشیدن شمس العماره است. شمس العماره در سال ۱۲۸۴ ه. ق ساخته شده است، ولی ناصرالدین شاه در حدود ۱۲۷۰-۱۲۷۱ ه. ق، عاشق جیران می‌شود. نشان‌دادن ناصرالدین شاه در شمس العماره در آن تاریخ، مانند نمایش‌دادن محمدرضا پهلوی در برج میلاد است! دست‌اندرکاران این سریال، حتی نمی‌دانند ماجرای عشق ناصرالدین شاه و جیران، در چه سالی اتفاق افتاده و آیا شمس العماره، در آن زمان ساخته شده بود،

۳. لباس‌های فیلم

- نحوه استفاده از لباس و کلاه است. محققان می‌دانند که کلاه ناصرالدین شاه در اوایل سلطنتش، همانند کلاه امیرکبیر بلند بوده و کوتاه‌شدن کلاه، در طول زمان و براساس بخشنامه شاه صورت گرفته است، درحالی‌که در سریال جیران، کلاهی که بر سر ناصرالدین شاه گذاشته شده، مربوط به اواخر سلطنت وی و سفرش به اروپاست.
- لباس نظامی هم که بر تن حاج‌علی خان حاجب‌الدوله (اعتمادالسلطنه) کرده‌اند، اشتباه است. او لباس نظامی نداشت، چون فراشباشی دربار بود. لباس جیران هم، اینطور که در سریال نشان می‌دهد، نبوده است. دختران دهاتی، شلوار سیاه نسبتاً گشادی، به نام دبیت حاج‌علی اکبری می‌پوشیدند. جیران دختری فقیر و دهاتی، با همین پوشش بوده است.

۴. سن بازیگران

- سن بازیگر نقش جیران (پریناز ایزدیار)، خیلی بیشتر از جیران واقعی است چون موقعی که شاه، عاشق جیران می‌شود، او ۱۷ سال داشته است.
- سن شاه بیش از آنچه در فیلم است بوده چون ۶۴ سال داشته

۵. عدم توجه به تاریخ و حوادث تاریخی

***اول: شمس العماره:** در سال ۱۲۶۸ - ۱۲۶۹ قمری حدوداً سال ازدواج شاه و جیران است تا اینکه در ۱۲۷۶ جیران درگذشت. ولی به تصویر کشیدن شمس العماره در این فیلم وقتی تازه آن را به سال ۱۲۸۴ ه. ق ساخته‌اند، چه معنا دارد؟ به قول برخی: نشان دادن ناصرالدین شاه در شمس العماره در آن تاریخ، مانند نمایش دادن محمدرضا پهلوی در برج میلاد است! دست‌اندرکاران این سریال، حتی نمی‌دانند ماجرای عشق ناصرالدین شاه و جیران، در چه سالی اتفاق افتاده و آیا شمس العماره، در آن زمان ساخته شده بود یا خیر؟

*** دوم:** در دوران دو پادشاه نخست قاجاری، آغا محمدخان و فتحعلی‌شاه، خواجهگان سفیدپوست گرجی و ارمنی در دربار تفوق داشتند ولی در دوران محمدشاه و ناصرالدین‌شاه، بیشتر خواجهگان سیاه پوست حبشی سیطره یافتند.

تحریرات بخش پایانی

۱. ناصرالدین شاه تا ۳۷ سال پس از مرگ جیران زنده بود و نیم قرن حکومت کرده بود؛ لذا با گریم بهرام رادان همخوانی ندارد.
۲. از اول امین السلطان را فرستاد دنبال قبر جیران
۳. قبر جیران در حجره و اتاقک بوده و نه در فضای باز
۴. شلیک تیر مستقیم به قلب شاه چنان شدید بوده که دیگر نای راه رفتن و درخواست از دیگران که مرا به سر قبر جیران ببرید نبوده و اگر بوده بیشتر جسد او را در همان نقطه گذاشتند. از این رو این بخش، با برخی نقلهای مهم در تضاد است از جمله نقل یحیی دولت آبادی در حیات یحیی.

آنچه سریال جیران نگفت و باید می گفت

جریان شناسی و آسیب شناسی حرمسرا

آسیب اول:

کم توجهی به زنان برجسته دربار و مرزبندی بین عناصر مثبت و منفی (غربگرا و هویت گرا) و نقش هر کدام (تفاوت بین مهد علیا و بویژه تاج السلطنه و افتخار السلطنه با انیس الدوله)

در دربار ناصرالدین شاه، عناصر سوسیالیست - فمینیست مآب (نظیر تاج السلطنه و افتخار السلطنه، دختران بی بند و بار و عیاش ناصرالدین شاه) حضور دارند که در تضعیف حجاب و غربزدگی بانوان نقش محوری دارند و بعداً در انجمن زنان صدر مشروطه حضور پیدا می کنند. اینها در کنار صدیقه دولت آبادی، نیمتاج خانم، میس جوردن و میس بویس، از افرادی هستند که نامشان به عنوان اعضای انجمن زنان در تواریخ مشروطه آمده و فعالیت های مخربی دارند.

۱. تاج السلطنه: وی، دختر فتانه ناصرالدین شاه و مبلغ کشف حجاب بانوان و اختلاط جوانان دختر و پسر با یکدیگر (پیش از ازدواج) بود و بسیاری از مشکلات ملت ایران را ناشی از حجاب بانوان می شمرد! ^{۱۳} به گفته آفاری: «خاطراتش نشان دهنده گرایش های قوی سوسیالیستی و نیز فمینیستی است». ^{۱۴} او مبلغ کشف حجاب بانوان و اختلاط جوانان دختر و پسر پیش از ازدواج بود و در خاطرات منسوب به وی می خوانیم: «خرابی مملکت و بداخلاقی و بی عصمتی و عدم پیشرفت تمام کارها، حجاب زن است!» ^{۱۵}

فریدون آدمیت و هما ناطق، بر پایه خاطرات منسوب به تاج‌السلطنه می‌نویسند: «توران تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین شاه در ۱۳۰۱ متولد شده، در حرمخانه شاهی تربیت یافته، معلم سرخانه داشته، زبان فرانسوی آموخته، تاریخ و رُمان فرنگی خوانده، لباس فرنگی پوشیده و زنی آزاداندیش بار آمده بود. هرچه روزه‌روز در تحصیل پیش می‌رفت از تلقینهای گذشته و مأنوسات ذهنی دست می‌شست. حتی ترک نماز و طاعت کرد و به کلی طبیعی مشرب شد. پس از آن به خیال سفر فرنگ افتاد. به گفته خود: «دیوانه‌وار میل رفتن اروپا را داشتم. همین میل در من قوت گرفت و باعث متارکه من با شوهرم شد». عشق خود را به دیگری هم پوشیده نمی‌دارد: «چشمهای پر از محبت و عشق او که مانند شعله آتشی به من اثر می‌کرد... هیچ‌وقت از نگاه کردن به این جوان، خائف و هراسان نبودم... یک صاعقه و طوفان عظیمی در وجود من ظهور کرده بود.»^{۱۶}

توران خانم همچون بسیاری از فمینیستها، در زندگی با شوهر خویش موفق نبود. وی از همسر اولش (شجاع‌السلطنه) جدا شد و در صفر ۱۳۲۶ (با پادرمیانی انجمن زنان) با قوللر آقاسی (برادرزاده امیربهادر معروف) که دارای همسر بود، ازدواج کرد.^{۱۷} با همسر جدید خویش نیز نساخت و قوللر آقاسی او را ۴ ماه بعد (در جمادی‌الثانی ۱۳۲۶) طلاق داد.^{۱۸} در مشروطه دوم، بهائیان تهران بر آن شدند که توران را به وصال عباس افندی در عکا (مرکز بهائیت در اسرائیل کنونی) برسانند که البته با ممانعت صدراعظم وقت (عین‌الدوله) این امر، ممکن نشد.^{۱۹}

نوشته‌اند که تاج‌السلطنه «در قتل پدر با شادمانی در مراسم تشییع او شرکت جست و از قاتل او میرزا رضا کرمانی و از افکار سوسیالیستی پشتیبانی می‌کرد.»^{۲۰} البته، پشتیبانی وی از سوسیالیسم را نباید چندان جدی گرفت، بلکه بایستی آن را، با توجه به پرورش این شازده‌خانم در کاخهای سلطنتی (دربار ناصرالدین شاه) و سپس نیز برخورداریش از زندگی مرفه در خانه رجال بلندپایه و اسم و لقب‌دار وقت (شجاع‌السلطنه و قوللر آقاسی) و بالاخره عیش و عشرت‌طلبی خود او بیشتر یک شوخی تلقی کرد!

۲. **افتخارالسلطنه:** وی نیز از دختران ناصرالدین شاه بود که تقیدی به احکام شرع نداشت و روزگار را به لهو و لعب می‌گذراند.^{۲۱} به همین علت هم مورد سوءظن آشنایان قرار داشت و حتی یک بار اقدام به خودکشی کرد که البته نجاتش دادند.^{۲۲}

افتخار از همسر اولش طلاق گرفت و با نظام‌السلطان خواجه‌نوری ازدواج کرد که به نوشته سعید نفیسی از معروف‌ترین جوانان خراج و عیاش و خوشگذران آن دوره بود که بیشتر شبها در باغ جمال‌آباد متعلق به وزیر همایون مجلس عیش و عشرت داشت و پدر نفیسی برای این که وی سرمشق بدی نگردد اجازه نمی‌داد به این مجالس نزدیک شود، ولی سعید نفیسی یک شب، پنهانی شاهد یکی از این مجالس عیش بود که معروف‌ترین دسته مطرب زنانه تهران در آن تا نزدیک صبح می‌کوبیدند و می‌رقصیدند و مشروب و خوراک گرم و سرد... سیبل بود!^{۲۳}

نظام‌السلطان، خود زن و ۵ فرزند داشت اما همه را رها کرد تا به وصال افتخارالسلطنه برسد.^{۲۴} او در عصر پهلوی نیز از طریق افتخار با دربار مرتبط بود و به سفارت انگلیس نیز مدد می‌رساند.^{۲۵} افتخارالسلطنه، دخترش (ایران‌السلطنه) را به عقد نوه عبدالحسین خان کُفری درآورد.^{۲۶} که شهرتش به «کفری»، ناشی از تصنیف کتابی بود که «به نظم و نثر» در «هجو و جسارت» به ساحت «انبیاء سلف و خاتم انبیاء و ائمه اطهار» علیه‌السلام نوشته بود و به همین علت «علمای تهران او را تکفیر کرده و فتوای وجوب قتل او را نوشته بودند».^{۲۷} زمانی هم که عبدالحسین خان در نزدیکی قُم مرد، علمای آنجا مانع دفن پیکر او (در قم و اطراف آن) شدند و حتی آخوندی را که (ندانسته) بر پیکر وی نماز خوانده بود سخت ملامت کردند.^{۲۸}

۳. انیس الدوله: فاطمه انیس الدوله اهل مازندران بود که توسط عمه‌اش وارد حرمخانه ناصرالدین شاه شد و به خادمی جیران فروغ السلطنه درآمد؛ پس از مرگ فروغ السلطنه، اموال وی به انیس الدوله رسید... نقش و جایگاه او:

اول: اولین ملکه ایران و دارای نشان حمایل آفتاب و اینکه هر سفیر و مقامی به دربار می‌آمد باید به دفتر ایشان هم سر می‌زد و منشی خود را نیز یک بانوی با کفایت برگزیده بود

دوم: تکاپو به رخ کشاندن فرهنگ اصیل ایرانی - اسلامی به اهالی حرمسرا و بعد زنان درباری و بویژه زنان سفرا

سوم: همکاری با قیام ملا علی کنی علیه قرارداد امتیازات رویتر و عزل میرزا حسین خان سپهسالار؛ فشار از درون دربار با همکاری میرزا سعید خان موتمن الملک انصاری و فرهاد میرزا...

چهارم: مقابله با اقدامات شاه در ماجرای کمپانی رژی و جدل با ناصرالدین شاه

آسیب دوم:

سوء استفاده از جنس مؤنث برای استفاده نامطلوب از شاه

(مناسبات مهد علیا و میرزا آقاخان نوری)

شاه از ناحیه مادرش و افراد دیگر تحت فشار بود که کار امیرکبیر را یک سره کند.^{۱۰} سرانجام با تبنای روس و انگلیس، دسیسه‌های قتل امیرکبیر کارگر شد و میرزا آقاخان و مهدعلیا که در اجرای این سناریو نقش مهمی داشتند، رشته عمر امیر را با همین تیغ زهر آگین (فساد) از هم گسیختند:

مهد علیا و میرزا آقاخان، دستخط قتل امیر را در جشن عروسی اعتضادالسلطنه با سلطان خانم رقاچه (و در گرماگرم ساز

و آواز و باده‌پیمایی)، از شاه جوان و افسون زده گرفتند... از نوشته خان ملک برمی‌آید که سلطان خانم رقاصه، از اجزاء دستگاه مهدعلیا بوده و در توطئه علیه امیر، اوامر مهدعلیا را اجرا می‌کرده است.^{۱۱}

سوابق میرزا آقاخان نوری

در یکی از مآخذ می‌خوانیم: هر وقت که میرزا آقاخان، خانم جدیدی برای شاه پیدا می‌کرده، به منجم باشی دستور می‌داده که برای ساعت زفاف طالع وقت تعیین کند... دوشنبه عید قربان ۱۲۷۰ شاه در داودیه سلام نشسته و شب همانجا مانده و نیز عید غدیر همان سال، شاه در داودیه بوده است. میرزا آقاخان در عریضه‌ای می‌نویسد: «آنجا پشت کوه قاف است. سه شب متوالی عیش بفرمایید».^{۱۲}

در بهار سال ۱۲۷۲ شاه یکسره در داودیه منزل کرده و هرشب برایش خانمهای شناس و ناشناس می‌برند در ششم صفر، جشن تولد شاه در داودیه و زفاف جدیدی واقع شده است. (اسامی و هویت خانمهای مزبور در یادداشت‌های روزانه ناصرالدین شاه ثبت گردیده است).^{۱۳} این مسئله به قدری غیر عادی است که خان ملک ساسانی می‌نویسد: «متحیرم دعوت شاه را هفته‌ای چند مرتبه به داودیه برای عیش و هرزگی چه اسم گذارم!»^{۱۴} خان ملک پا را فراتر گذاشته و اظهار می‌دارد که پس از مطابقت تواریخ یادداشت‌های ناصرالدین شاه، متوجه شده است که اغلب خلعت‌ها و نشان‌های میرزا آقاخان، بعد از شبهای داودیه مرحمت شده است!^{۱۵}

در مورد تلاش میرزا آقاخان نوری برای فاسد کردن شاه، اظهارات میرزا حسن جابری اصفهانی، در کتاب «تاریخ ری و اصفهان» نیز سودمند است. از جمله اینکه: «میرزا آقاخان برای او فوج از اطفال موزیکانچی راه انداخته و اسباب لهو و لعبش را مرتب ساخته حتی در ترجمه کتب مانند الف لیله را که از آن بیشتر شهوت‌رانی و عشق است دستور داده نه کلمات قصار یا سخنان حکما یا اخبار و تواریخ سیاسی و رفتار سلاطین و وزراء عاقل و عادل یا عزم و حزم را ... بیشتر انس شاه را بشهوات و شکار بازداشت...».^{۱۶}

میرزا آقاخان با ترتیب دادن برنامه سرگرمی و تفریح شاه تا اندازه زیادی نقش اتابک وی را ایفا می‌کرد. حتی شاه، گاه و بی‌گاه، به ناچار، اجازه می‌داد مادر و خواهرش در مجالس بزمی که او ترتیب داده بود، شرکت جویند. مثلاً ناصرالدین شاه در موردی به نوری می‌نویسد: «امشب از بس نواب [مهد علیا] و ملک‌زاده خانم

^{۱۱}. همان، ص ۲۰۳-۲۰۴.

^{۱۲}. سیاستگران دوره قاجار، خان ملک ساسانی، ص ۱۸ و ۲۰.

^{۱۳}. همان، ص ۲۰.

^{۱۴}. همان، ص ۴۶.

^{۱۵}. همان، ص ۲۲.

^{۱۶}. تاریخ اصفهان و ری، میرزا حسن جابری اصفهانی، ص ۲۶۸.

اصرار دارند می‌نویسم. والله می‌دانم زیاد قباحت دارد [ولی] می‌گویند آن دو شب ما نبودیم، ما هم می‌خواهیم عیش کنیم. [برایمان] تار بزنند...»^{۱۷}

آسیب سوم:

پزشکان و عناصر استعماری و مواجهه با بانوان ضد استعمار دربار

در جریان قرارداد رویترا، زمانی که مرحوم آیت الله ملا علی کنی پرچم قیام را برافراشته و شاه را به عزل صدر اعظم عاقد قرارداد (میرزا حسین خان سپهسالار) واداشت و انیس الدوله (سوگلی غیور و هوشمند شاه) و جمعی از رجال مستقل سیاسی نیز در ضدیت با قرارداد، راه حاجی را در پیش گرفتند، دیکسون طبیب انگلیسی دربار ناصرالدینشاه، شاه را به سرکوبی مخالفین تحریک کرد.^{۱۸}

چون حضور شاه رسیدم، فرصتی دست داد و داستان توطئه اعیان و کشیشان آلمان را علیه بیسمارک بیان کردم. گفتم پس از آنکه توطئه ایشان در سلب اعتماد امپراطور نسبت به بیسمارک به جایی نرسید، خواستند بانوان دربار را علیه او برانگیزانند.^{۱۹} اینجا هم تیرشان به سنگ خورد. یعنی امپراطور دانا ایستادگی کرد و بیسمارک به اصلاحات و خدمات برجسته‌ای کامیاب گردید...

شاه به دقت، حرف‌های مرا گوش می‌داد. با احترام گفتم: چه شود اگر اعلیحضرت هم رویه قیصر آلمان را پیش گیرند، مسلماً ستایش همه اروپا را نسبت به خودشان جلب خواهند فرمود!!

^{۱۷}. ر.ک: *قبلة عالم*، عباس امانت، ترجمه حسن کامشاد، ص ۲۰۳.

^{۱۸}. *کارنامه شیخ فضل الله نوری*، علی ابوالحسنی (منذر)، ص ۲۹ (پاورقی).

^{۱۹}. *تبیینی از فلسفه سیاسی - اجتماعی - اخلاقی - فرهنگی فرقانیسم*، علی ابوالحسنی (منذر)، ص ۵۴.

آسیب چهارم

مخدوش کردن چهره زنان عصر قاجار و عدم توجه به نقاط مثبت آنان

بحث پایانی در باب خواجه‌ها

خواجه کردن طبق روایت مطعون از پیامبر اکرم حرام بود و لذا در صدر اسلام نبود تا اینکه اولین کسی که این مسئله را در اسلام باب کرد، یزید بن معاویه در دربارش بود و به حرمسرا آورد.

هنگام فتح بغداد توسط هلاکو، ۳۰۰۰ خواجه در حرمسرای مستعصم بود. حتی در بین خواجهگان، کافور اخشیدی به فرامروابی مصر رسید.

در دوران دو پادشاه نخست قاجاری، آغا محمدخان و فتحعلی‌شاه، خواجهگان سفیدپوست گرجی و ارمنی در دربار تفوق داشتند ولی در دوران محمدشاه و ناصرالدین‌شاه، بیشتر خواجهگان سیاه پوست حبشی سیطره یافتند. هم پزشکی بودند چون در اسلام ممنوع بود و یکی از احتمالات این است که همیشه اخته کردن نبوده بلکه گاه فرد تراجنسیتی و مخنث بوده است.

در سال ۱۲۸۶ق، میرزا عبدالغفار ۴ از طرف ناصرالدین شاه مأمور سرشماری جمعیت تهران شد. وی کمیته‌ای برای انجام این کار تشکیل داد و طی سه ماه این کار انجام شد. در این سرشماری جمعیت دارالخلافه بجزء سپاه، ۱۴۷'۲۵۶ نفر شمارش شد، که از این تعداد سپاهیان، ۱۱۴۸ نفر غلام پیشخدمت و غلام حاضر رکاب و ۱۲۱ نفر غلام مخصوص بوده‌اند.

در این سرشماری از جمعیت مردان بزرگ، ۱۰'۵۶۸ نفر نوکر و ۷۵۶ نفر غلام سپاه و خواجه، جمعاً ۱۱'۳۲۴ نفر و از جمله زنان بزرگ، ۲'۵۲۵ کنیز سپاه و ۳'۷۰۲ نفر خدمتکار، جمعاً ۶'۳۲۷ نفر شمارش شده است. در کل تعداد خدمه و مستخدمان روی هم ۱۷'۶۴۱ نفر شمارش شده‌اند که تقریباً حدود ۱۲ درصد و غلامان و کنیزان سپاه حدود ۳'۲۸۱ نفر و یا ۲/۵ درصد از کل جمعیت تهران را شامل می‌شدند.

در این سرشماری، تنها آمار بردگان سپاه آورده شده و از تعداد بردگان سفید رومی داده نشده است، ولی با توجه به کم بودن تعداد آنها در برابر بردگان سپاه، میتوان به طور تقریبی بیان کرد که حدود ۳ تا ۳/۵ درصد از جمعیت تهران را غلامان و کنیزان تشکیل می‌داده‌اند.

